

Analysis of the indicators of Islamic transcendental governance in constitutional negotiations compared to desirable governance

Yousef Maleki¹, Sohrab Moghaddam Shahidani²

Abstract

The term good governance was first introduced in the literature of Western societies and made Muslim scholars think about the extent to which the indicators expressed by international organizations are compatible with Islamic thought and what indicators Islam has expressed for governance. Among the sources of Islamic political thought in which governance indicators are expressed is the text of the negotiations on the Constitution of the Islamic Republic of Iran, where the presence of a large number of Islamic jurists and scholars has made this source valuable. In this study, by extracting the indicators of Islamic transcendent governance from the text of the negotiations and comparing it with the indicators expressed in Western societies, an attempt has been made to both explain the indicators of Islamic transcendent governance and clarify the differences and similarities of these indicators in comparison with the indicators of Western desirable governance. It seems that despite the similarities in the indicators on both sides of the comparison, there is a great difference in the scope of the justice index in the two types of governance. The differences are also significant, and indicators such as maintaining national and Islamic unity, paying attention to the oppressed and deprived classes, and paying attention to religious teachings such as encouraging the good of officials are among the specialties of Islamic transcendental governance.

Keywords: Islamic transcendental governance, transcendental governance, desirable governance, constitutional negotiations, World Bank.

1. Corresponding author: PhD student, Qom University of Islamic Education, Qom, Iran
Ymki.17oo@gmail.com

2. Assistant Professor, Islamic Revolution Department, Qom University of Islamic Education, Qom, Iran
iranemoaserqom@gmail.com

تحلیل شاخص‌های حکمرانی متعالی اسلامی در مذاکرات قانون اساسی

در مقایسه با حکمرانی مطلوب

یوسف ملکی^۱، سهراب مقدمی شهیدانی^۲

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴

چکیده

اصطلاح حکمرانی مطلوب نخستین‌بار در ادبیات مجامع غربی مطرح شد و اندیشمندان مسلمان را به فکر واداشت که تا چه اندازه شاخص‌های بیان‌شده توسط سازمان‌های بین‌المللی با اندیشه اسلامی سازگار است و اینکه اسلام چه شاخص‌هایی را برای حکمرانی بیان کرده است. از جمله منابع اندیشه سیاسی اسلام که شاخص‌های حکمرانی در آن بیان شده است، متن مذاکرات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که حضور تعداد زیادی از فقها و اندیشمندان اسلامی سبب ارزش این منبع شده است. در این پژوهش با استخراج شاخص‌های حکمرانی متعالی اسلامی از متن مذاکرات و مقایسه آن با شاخص‌های بیان‌شده در مجامع غربی سعی شده است هم شاخص‌های حکمرانی متعالی اسلامی تبیین شود و هم تفاوت و تشابه این شاخص‌ها در مقایسه با شاخص‌های حکمرانی مطلوب غربی روشن شود. به نظر می‌رسد با وجود شباهت‌ها در شاخص‌های دو سوی مقایسه، در شاخص عدالت تفاوت بسیاری در گستره آن در دو نوع حکمرانی وجود دارد. تفاوت‌ها نیز قابل توجه است و شاخص‌هایی مانند حفظ وحدت ملی و اسلامی، توجه به مستضعفان و طبقات محروم و توجه به معارف دینی مانند امر به معروف مسئولان از اختصاصات حکمرانی متعالی اسلامی است.

واژگان کلیدی: حکمرانی متعالی اسلامی، حکمرانی متعالی، حکمرانی مطلوب، مذاکرات قانون اساسی، بانک

جهانی

مقدمه

نحوه صحیح حکمرانی، به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع بشری، همواره مورد توجه اندیشمندان و سیاست‌گذاران بوده است. در جوامع اسلامی، این دغدغه با توجه به آموزه‌های دینی همچون عدالت و تأمین سعادت انسان، اهمیت دوچندانی دارد. تحولات نظری اخیر در حوزه توسعه و حکمرانی، از جمله تغییر رویکرد بانک جهانی از دولت حداقلی به سمت شاخص‌های حکمرانی مطلوب، نشان از اهمیت روزافزون این موضوع دارد. با این حال، سؤال اساسی این است که شاخص‌های حکمرانی مطلوب و به تعبیری حکمرانی متعالی از دیدگاه اسلام چیست و چگونه می‌توان با تکیه بر آموزه‌های دینی، الگویی جامع و کارآمد برای حکمرانی در جوامع اسلامی ارائه کرد؟ این پرسش، ما را بر آن می‌دارد تا به دنبال پاسخ‌هایی در منابع غنی فقه اسلامی و اندیشه سیاسی اسلام باشیم. عامل دیگری که ضرورت چنین پژوهش‌هایی را آشکار می‌کند این است که متأسفانه ادبیات حکمرانی مطلوب که بانک جهانی و برخی سازمان‌های غربی تولید کرده‌اند، سبب از بین رفتن فرهنگ خاص کشورها و چه بسا سلطه ارزش‌ها و فرهنگ متخاصم غربی به کشورهای دیگر شود؛ به عبارت دیگر همان‌طور که در گذشته لشکرکشی و قدرت نظامی استعمار رخ می‌داد، چه بسا شاهد نوع جدیدی از استعمار با تحمیل نوع حکمرانی مدنظر آنها بر کشورهای دیگر باشیم. این امر آن‌قدر اهمیت دارد که حتی احتمال چنین رویکردی نیز ما را به آن وا دارد که ادبیات حکمرانی متناسب با فرهنگ خود را تولید کنیم و این ادبیات، موازی با ادبیات حکمرانی مطلوب بتواند هم عامل پیشرفت کشور باشد و هم خطرات پیاده‌کردن شاخص‌های حکمرانی مطلوب در کشور را نداشته باشد.

در این پژوهش، با تمرکز بر مذاکرات بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تلاش می‌شود تا شاخص‌های حکمرانی متعالی از دیدگاه فقها و اندیشمندان اسلامی استخراج و تحلیل شود. قانون اساسی به‌عنوان سند بنیادین هر نظام سیاسی، حاوی اصول و ارزش‌هایی است که جهت‌گیری کلی حکومت را تعیین می‌کند. مذاکرات دربار تدوین این سند، فرصتی استثنایی برای شناخت دیدگاه‌های فقها و اندیشمندان اسلامی در زمینه حکمرانی مطلوب فراهم می‌آورد.

انتخاب مذاکرات قانون اساسی به‌عنوان منبع پژوهش، دلایل متعددی دارد:

- کلی‌نگر و شاخص‌محور: قانون اساسی به‌عنوان سند جامع، اصول کلی و شاخص‌های مهم نظام سیاسی را مشخص می‌کند.

حضور فقها و مراجع تقلید: حضور پررنگ فقها و اندیشمندان اسلامی در مذاکرات، تضمین‌کننده اسلامی بودن مباحث و نظرات مطرح شده است.

بیان نظرات اجتهادی: فقها در این مذاکرات، نظرات اجتهادی خود را در زمینه شاخص‌های حکمرانی مطلوب بیان کرده‌اند که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با توجه به این دلایل، می‌توان انتظار داشت که با بررسی دقیق مذاکرات قانون اساسی، به درک جامع از شاخص‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام دست یابیم. این پژوهش می‌تواند گامی مؤثر در راستای تطبیق نظریه‌های حکمرانی با آموزه‌های دینی و طراحی الگوهای حکمرانی کارآمدتر در جوامع اسلامی تلقی شود. در ادامه این پژوهش، به بررسی دقیق مذاکرات قانون اساسی، استخراج شاخص‌های حکمرانی مطلوب و تحلیل تطبیقی این شاخص‌ها با نظریه‌های موجود خواهیم پرداخت و الگوی جامع برای حکمرانی مطلوب از دیدگاه قانون‌گذاران خبرگان ارائه می‌شود.

سؤالات اصلی که در این پژوهش به آنها پاسخ داده خواهد شد عبارت است از اینکه شاخص‌های اصلی حکمرانی مطلوب از دیدگاه اعضای شرکت‌کننده در مذاکرات قانون اساسی چیست؟ پس از پاسخ به این پرسش، نوبت به این سؤال می‌رسد که آیا این شاخص‌ها با شاخص‌های ارائه شده توسط نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی همخوانی دارد؟

با پاسخ به این سؤالات، امید است بتوانیم درک عمیق‌تری از حکمرانی متعالی در جوامع اسلامی داشته باشیم و گامی در راستای بهبود وضعیت حکمرانی در این جوامع برداریم.

در بخش‌های بعدی این پژوهش، به بررسی هر یک از این سؤالات به‌طور مفصل خواهیم پرداخت.

پیشینه پژوهش

در این زمینه با چهار دسته پژوهش روبه‌رو هستیم که در سطح کتاب، پایان‌نامه و مقاله به چاپ رسیده است. دسته‌ای از پژوهش‌ها به بیان شاخص‌های حکمرانی مطلوب پرداخته‌اند، بدون اینکه نظری به مبانی اسلامی یا شخصیت‌های اسلامی داشته باشند؛ تمام پژوهش‌های خارجی و بخش زیادی از پژوهش‌های داخلی به این صورت است. در این زمینه می‌توان به مقاله مدل مفهومی حکمرانی خوب اشاره کرد.

یگانگی، کامران؛ بیگلی، امین (۱۳۹۹). مدل مفهومی حکمرانی خوب، پژوهش‌های علوم مدیریت،

بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها در حوزه حکمرانی، به بررسی وجود و میزان تأکید اندیشه اسلامی بر شاخص‌های خاص حکمرانی مطلوب معطوف است. این دسته از پژوهش‌ها غالباً به جای ارائه تصویر جامع از حکمرانی مطلوب در اسلام، بر روی برخی شاخص‌های خاص مانند عدالت، شفافیت، مشارکت مردمی یا حاکمیت قانون تمرکز می‌کنند. پژوهشگران این حوزه، با بهره‌گیری از منابع اسلامی همچون قرآن، سنت و اندیشه‌های فقها و متکلمان، تلاش می‌کنند تا شواهدی مبنی بر وجود و اهمیت این شاخص‌ها در اندیشه اسلامی ارائه کنند. مقاله چشم‌اندازی بر جایگاه عدالت در تحقق حکمرانی مطلوب با رویکردی بر آموزه‌های اسلامی نمونه‌ای از این دسته مقالات است.

سلطان‌محمدی، حسین؛ سلطان‌محمدی، فاطمه (۱۴۰۳). چشم‌اندازی بر جایگاه عدالت در تحقق حکمرانی مطلوب با رویکردی بر آموزه‌های رضوی، مجله امام رضا و علوم روز، ش ۲۶۴: ۳۱-۶. برخی پژوهش‌ها به بررسی وجود بعضی شاخص‌های حکمرانی در بخشی از معارف اسلامی مانند نهج‌البلاغه پرداخته‌اند. در این زمینه می‌توان به مقاله کمیجانی و عیوضی اشاره کرد که شاخص‌ها و آموزه‌هایی را بیان کرده است که در نهج‌البلاغه و سیره علوی در مورد حکمرانی است.

کمیجانی، علی؛ عیوضی، محمدرحیم (۱۴۰۱). حکمرانی مطلوب در سپهر حکمرانی علوی، آموزه‌ها و شاخص‌ها، حکمرانی متعالی، ش ۱۱: ۳۳-۹.

بخشی از پژوهش‌ها به بررسی جامع شاخص‌های حکمرانی مطلوب با تکیه بر دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی همچون امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و شهید مطهری پرداخته‌اند.

صفریان گرمه‌خانی، روح‌الله؛ شهرام‌نیا، مسعود و رمضان، ملیحه (۱۳۹۹). راهبری حکمرانی مطلوب ایرانی - اسلامی در اندیشه سیاسی استاد مطهری، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ش ۳۴: ۱۳۷-۱۱۷.

این دسته پژوهش‌ها با بهره‌گیری از منابع و نظریات این اندیشمندان، تلاش کرده‌اند تا الگویی جامع و اسلامی برای حکمرانی مطلوب ارائه کنند؛ اما پژوهشی که به بیان شاخص‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه تعداد زیادی از اندیشمندان اسلامی پرداخته باشد، تاکنون نگارش نشده است.

چارچوب نظری

برای پاسخ جامع به پرسش‌های این پژوهش، ضروری است ابتدا به بررسی شاخص‌های حکمرانی مطلوب از دو دیدگاه متفاوت بپردازیم:

۱. شاخص‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه سازمان‌های بین‌المللی

بانک جهانی، اتحادیه اروپا و سازمان توسعه برنامه ملل متحد به عنوان نهادهای بین‌المللی تأثیرگذار در حوزه توسعه، در سال‌های اخیر به ادبیات حکمرانی مطلوب و بیان شاخص‌های آن توجه زیادی نشان داده‌اند. این نهادها با ارائه شاخص‌هایی مانند کیفیت قوانین، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، پاسخگویی و شفافیت، تلاش کرده‌اند تا معیارهای لازم برای دستیابی به حکمرانی مطلوب را مشخص کنند. با مطالعه دقیق این شاخص‌ها می‌توان به درک بهتری از دیدگاه نهادهای بین‌المللی در زمینه حکمرانی مطلوب دست یافت و آن را با دیدگاه‌های موجود در اندیشه اسلامی مقایسه کرد.

۲. شاخص‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

برای شناخت دقیق‌تر شاخص‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام، ضروری است به بررسی منابع فقهی، سیاسی و تاریخی مراجعه کنیم. یکی از منابع غنی برای این منظور، مذاکرات تدوین و بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در این مذاکرات، اندیشمندان و فقهای برجسته کشور به بحث و تبادل نظر در زمینه اصول و مبانی حکومت اسلامی پرداخته‌اند و شاخص‌های گوناگونی را برای حکمرانی مطلوب اسلامی برشمرده‌اند.

با مطالعه دقیق مذاکرات پیش‌نویس قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ و مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸، می‌توان به موارد زیر دست یافت:

شناسایی شاخص‌های کلیدی: با بررسی دقیق مباحث مطرح‌شده در این مذاکرات، می‌توان شاخص‌های کلیدی مورد نظر اندیشمندان اسلامی برای حکمرانی مطلوب را شناسایی و طبقه‌بندی کرد.

تبیین مبانی نظری: با مطالعه مباحث نظری مطرح‌شده در این مذاکرات، می‌توان به درک عمیق‌تری از مبانی نظری و فلسفی شاخص‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام دست یافت.

مقایسه با شاخص‌های سازمان‌های بین‌المللی: با مقایسه شاخص‌های استخراج‌شده از مذاکرات قانون اساسی با شاخص‌های ارائه‌شده توسط بانک جهانی، می‌توان به نقاط مشترک و تفاوت‌های موجود بین این دو رویکرد پی برد.

- در نهایت، با انجام این مقایسه، می‌توان به پرسش‌های ذیل پاسخ داد:
- آیا شاخص‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام و سازمان‌های بین‌المللی نقاط مشترکی دارد؟
 - چه تفاوت‌های اساسی بین این دو رویکرد هست؟
 - کدام یک از این رویکردها برای تحقق حکمرانی مطلوب در جوامع اسلامی مناسب‌تر است؟
- با پاسخ به این پرسش‌ها، می‌توان به درک جامع‌تری از مفهوم حکمرانی مطلوب در اسلام دست یافت و برای تحقق آن در جوامع اسلامی راهکارهای عملی عرضه کرد.

تبیین مفاهیم

اصل ماده «حکم» در عربی به معنای منع کردن است، کما اینکه در قضاوت واژه حکم به کار می‌رود به سبب اینکه موجب منع از ظلم می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ج ۲: ۹۱). از همین رو حکم الرجل به معنی منع کردن مرد از چیزی است (ابن منظور: ج ۱۲: ۱۴۴)؛ لذا در حکمرانی نیز چون نوعی منع زیردستان از نافرمانی در آن وجود دارد از ماده حکم استفاده شده است و در عربی امروزی از حکمرانی مطلوب تعبیر به الحكم الرشید می‌کنند (الحکم الرشید: المفهوم المبادئ و الانتقادات، میلود، سفاری، مجله الآداب و العلوم الاجتماعية، ۲۰۰۷/۱/۱ ص ۷ تا ۳۲، شماره چهار، سال ۲۰۰۷).

فرهنگ دهخدا، حکمرانی را به معنای عمل و شغل حکمران و فرماندهی دانسته است (دهخدا، ۱۳۹۰: ج ۱: ۱۰۳۹). از همین تعریف حکمرانی به معنای «اداره و تنظیم امور عمومی و روابط بین شهروندان و حاکمان» که جانسون بیان کرده است، با این تعریف سازگار است (Johnson, 1997:9).

در ادبیات فارسی، معادل‌هایی چون حکومت، فرمانروایی و رهبری برای این مفهوم به کار رفته است (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۷۹: ۶۸۹). فرهنگ معین نیز واژه‌های حاکم، والی و فرمانروا را با حکمران مترادف می‌داند (معین، ۱۳۸۷: ۴۱۶).

زارعی با استناد به دیدگاه‌های گوناگون، حکمرانی را فرایندی تعریف می‌کند که در آن تصمیمات اتخاذ شده و قدرت در کشور اعمال می‌شود. این فرایند شامل روابط بین دولت و مردم، حاکمان و مردم و همچنین سازوکارهایی برای مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری و حل اختلافات است. وی با نقل قول از مک‌کیم و همکاران می‌گوید: حکمرانی به روابط بین دولت و مردم، حاکمان و حکومت‌شدگان مربوط می‌شود. به عبارت ساده‌تر، حکمرانی یعنی چگونگی اداره کردن کشور و ارتباط بین کسانی که اداره می‌کنند و کسانی که اداره می‌شوند.

بانک جهانی حکمرانی را فرایندی می‌داند که در آن تصمیمات گرفته می‌شود و قدرت در کشور اعمال می‌شود. برنامه عمران سازمان ملل هم حکمرانی را به معنای استفاده از قدرت اقتصادی، سیاسی و اجرایی برای اداره کشور می‌داند. این سازمان هم چنین می‌گوید حکمرانی به مردم کمک می‌کند تا منافع خود را مشخص کنند؛ وظایف خود را بشناسند و مشکلاتشان را حل کنند. صندوق بین‌المللی پول هم به اهمیت حکمرانی در زمینه اقتصادی تأکید می‌کند و می‌گوید حکمرانی خوب به بهبود مدیریت منابع عمومی و ایجاد محیط اقتصادی پایدار کمک می‌کند (۱۳۹۹: ۲۶۰ - ۲۵۹).

شاخص‌های حکمرانی مطلوب از دید سازمان‌های بین‌المللی

بر اساس تعریف برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP)، حکمرانی خوب در مقایسه با دیگر روش‌های اداره امور عمومی، ویژگی‌هایی دارد که شامل مشارکت بیشتر مردم، شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و پاسخگویی مسئولان به مردم است. هدف اصلی حکمرانی خوب، ایجاد نظام اداره کشور، به گونه‌ای که در آن قوانین به‌طور عادلانه اجرا شود و همه افراد جامعه به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند (Raco, 2009: 623).

به عبارت دیگر، حکمرانی خوب به دنبال ایجاد نظامی است که در آن مردم به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در تصمیم‌گیری‌های مهم کشور مشارکت داشته باشند؛ اطلاعات مربوط به تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد دولت به‌طور کامل در دسترس عموم قرار گیرد؛ مسئولان دولتی در برابر تصمیمات و عملکرد خود در برابر مردم پاسخگو باشند؛ قوانین به‌طور یکسان برای همه اجرا شود و حقوق همه افراد به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر رعایت شود.

برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) در سال ۲۰۰۴، ویژگی‌های اصلی حکمرانی خوب را مشارکت، قانون‌مداری، شفافیت، پاسخگویی و کارایی معرفی کرده است. مشارکت به معنای دخالت فعال شهروندان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی است. این امر از طریق انتخابات آزاد و عادلانه، سازمان‌های غیر دولتی و مجامع مدنی محقق می‌شود. «قانون‌مداری» به این معنا است که همه افراد از جمله دولت به رعایت قوانین ملزم باشند. «شفافیت» به معنی دسترسی آزادانه مردم به اطلاعات و تصمیم‌گیری‌های دولت است. «پاسخگویی» به این معنا است که دولت باید در برابر رفتار و تصمیمات خود پاسخگو باشد و به نظرات و انتقادات مردم توجه کند. در نهایت «کارایی» به معنای توانایی دولت در عرضه خدمات عمومی به‌صورت مؤثر و کارآمد است. این ویژگی‌ها در کنار هم،

بستری را فراهم می‌آورد که در آن حقوق همه افراد رعایت، و توسعه پایدار محقق می‌شود. UNDP با حمایت از دولت‌ها و جوامع مدنی در سراسر جهان، به دنبال تقویت این ویژگی‌ها و ایجاد حکمرانی خوب است (UNDP: 2004).

اتحادیه اروپا در سند راهبردی خود، یعنی مقاله سفید، پنج اصل بنیادی برای حکمرانی مطلوب معرفی کرده است: آزادی، مشارکت، پاسخگویی، کارآمدی و انسجام. این اتحادیه معتقد است که این اصول باید در همه سطوح حکومتی، از محلی تا جهانی، اجرا شود. به باور اتحادیه اروپا، حکمرانی خوب فراتر از مدیریت کارآمد منابع مالی و عرضه خدمات عمومی است. این مفهوم به معنای ایجاد نظامی جامع برای تقویت نهادهای جامعه مدنی است؛ نظامی که دولت را شفاف‌تر، پاسخگوتر و مردم‌سالارانه‌تر سازد (پورعزت، ۱۳۸۷: ۲۸۲)؛ هم‌چنین اتحادیه اروپا حکمرانی خوب را مدیریت شفاف و پاسخگو در هر کشوری تعریف می‌کند که هدف آن توسعه پایدار و عادلانه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی است. به بیان دیگر، حکمرانی خوب به معنای احترام به حقوق بشر، اصول مردم‌سالاری و حاکمیت قانون توسط سیاستمداران و نهادهای دولتی است. علاوه بر این، حکمرانی خوب به مدیریت مؤثر منابع عمومی برای ایجاد رشد اقتصادی پایدار و توزیع عادلانه منابع می‌پردازد (نقیبی منفرد، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۱۱۴).

بانک جهانی، حکمرانی خوب را بر اساس شش مؤلفه اصلی تعریف می‌کند:

- حق مشارکت و پاسخگویی: به این معنی که شهروندان حق دارند در امور مربوط به خود نظر بدهند و دولت نیز موظف است در رابطه با این نظرات پاسخگو باشد.
- ثبات سیاسی و عدم خشونت: وجود ثبات سیاسی و نبود خشونت، از پیش‌نیازهای اصلی برای توسعه و پیشرفت هر کشوری است.

- کارآمدی دولت: دولت باید بتواند وظایف خود را به‌طور مؤثر و کارآمد انجام دهد.
- کیفیت قوانین و مقررات: قوانین و مقررات باید شفاف، عادلانه و قابل اجرا باشد.
- حاکمیت قانون: همه افراد از جمله دولت باید تحت حاکمیت قانون باشند و هیچ فرد یا گروهی فراتر از قانون نباشد.

- کنترل فساد: وجود فساد، مانع اصلی توسعه و پیشرفت است؛ بنابراین مبارزه با فساد از مهم‌ترین وظایف دولت است (Kaufmann et al, 2006).

به عبارت دیگر، هر چه حاکمیت قانون قوی‌تر، دستگاه قضایی کارآمدتر و مشارکت مردم بیشتر باشد، می‌توان گفت سطح حکمرانی در آن کشور مطلوب‌تر است.

شاخص‌های حکمرانی متعالی اسلامی در اسناد راهبردی انقلاب اسلامی

پیش از اینکه تفصیلاً به مبحث حکمرانی متعالی اسلامی در مذاکرات قانون اساسی بپردازیم، شایسته است مهم‌ترین اصول حکمرانی بیان‌شده در وصیت‌نامه الهی - سیاسی امام خمینی (ره) و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ارائه شود تا ادبیات حکمرانی متعالی اسلامی در برابر ادبیات حکمرانی مطلوب به‌گونه‌ای بهتر شناخته شود. دلیل انتخاب این اسناد برای بیان شاخص‌های حکمرانی این است که اولاً توسط عالی‌ترین رهبران انقلاب اسلامی نوشته شده است و دوم اینکه دو فقیه این متون را نگارش کرده‌اند که غیر از قوه استنباط از منابع فقه با دشواری‌های مقام اجرا نیز آشنا هستند و می‌توانند با موضوع‌شناسی دقیق، بهترین راه‌حل‌ها را برای حکمرانی متعالی اسلامی بیان کنند.

مهم‌ترین عناصری که امام خمینی (ره) برای تحقق حکمرانی بیان کرده‌اند عبارت است از:

۱. استقلال کشور در همه عرصه‌های علمی، سیاسی

حضرت امام (ره) غیر از استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که بارها به آن اشاره کرده‌اند به استقلال علمی نیز به‌عنوان یکی از اهداف حکمرانی اشاره کرده‌اند؛ البته استقلال علمی از دید ایشان با فرستادن دانشجویان برای یادگیری مهم‌ترین علوم روز دنیا منافاتی ندارد، بلکه اصل وابستگی است که اشکال دارد (امام خمینی: ۴۴).

۲. اعتقاد قلبی و التزام عملی مسئولان کشور به مبانی اسلام

اعتقاد قلبی و التزام عملی به اسلام امری است که امام آن را برای رهبری یا شورای رهبری، ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس و... لازم دانسته‌اند، در نگاه حضرت امام (ره) با وجود چنین اعتقاد و التزامی بسیاری از مشکلات حکمرانی اصلاً پیش نمی‌آید و اگر مشکلی باشد حل می‌شود (امام خمینی: ۳۲).

۳. وحدت و انگیزه الهی داشتن در تمام کارها

انگیزه الهی به معنی توجه به اهداف الهی در تمام کارها، از عواملی است که حضرت امام (ره) آن را به ضمیمه وحدت، هم عامل پیروزی بخش انقلاب و هم عامل بقا و پیشرفت آن می‌داند. وحدتی

که مد نظر امام است، وحدت تمام اقشار جامعه در راه رسیدن به اهداف بلند الهی و انسانی است (امام خمینی: ۱۲).

۴. اصلاح مراکز آموزشی برای تربیت شایسته‌ترین مسئولان کشور

بازآفرینی و اصلاح نظام آموزشی کشور از کودکان تا دانشگاه از وصیت‌های مهم حضرت امام (ره) است که بارها به آن اشاره کرده‌اند. اهمیت این عامل به اندازه‌ای است که ایشان فرموده‌اند اگر نظام آموزشی صحیحی وجود داشت، هم حکومت اصلاح می‌شد و هم دست هرگونه استبداد داخلی و استعمار خارجی از سر مملکت کوتاه می‌شد (امام خمینی: ۳۹).

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به‌صورت صریح و یا در ضمن مطالب دیگر، بایسته‌های حکمرانی متعالی در کشور را ۱۱ مورد دانسته‌اند:

۱. نظریه نظام انقلابی

نظریه نظام انقلابی که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) فرموده‌اند تا ابد باید از آن دفاع شود، به این معنا است که بین جوشش انقلابی و ثبات و نظم سیاسی، اجتماعی تنافی نیست و انقلاب اسلامی هیچ‌گاه نباید به خمودی یا پشیمانی از شعارهای خود برسد، انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به اهداف بلند خود باید در عین حفظ نظم اجتماعی - سیاسی، همچنان به حرکت پرشور و هیجان خود برای شعارهای انقلاب اسلامی ادامه دهد (امام خامنه‌ای: ۳).

۲. مدیریت جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم».

آنچه سبب پیشرفت انقلاب اسلامی در همه عرصه‌ها شده است و از این به بعد نیز می‌تواند عامل پیشرفت کشور در همه عرصه‌ها باشد، مدیریت جهادی است که البته چنین سبک مدیریتی ریشه در معارف اسلامی دارد؛ چنین مدیریتی به ضمیمه اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» راهگشای گره‌های حکمرانی خواهد بود (امام خامنه‌ای: ۵).

۳. ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و توسعه فناوری

توسعه فناوری و ایجاد زیرساخت‌های فراوان در کشور از عواملی است که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) آن را از افتخارات انقلاب اسلامی می‌دانند؛ به‌گونه‌ای که اگر انقلاب اسلامی نبود، چنین رشدی در فناوری و توسعه زیرساخت‌ها نیز اتفاق نمی‌افتاد، این عنصر مطلوب که راه را برای پیشرفت کشور در دیگر امور هموار می‌کند، همان نقطه‌ای است که ادامه‌دادن آن سبب رشد بیشتر کشور نیز خواهد شد (امام خامنه‌ای: ۵).

۴. افزایش مشارکت سیاسی - اجتماعی مردم

از دیگر اموری که از عبارات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم برای مطلوبیت حکمرانی استفاده می‌شود، افزایش مشارکت سیاسی - اجتماعی مردم در حل مسائل و مشکلات کشور است؛ البته ایشان این شاخص را یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی بیان کرده‌اند، اما روشن است که اگر این امر در حکمرانی متعالی اسلامی کار پسندیده‌ای نبود، ایشان آن را به‌عنوان نشانه خوب بیان نمی‌کردند (امام خامنه‌ای: ۶).

۵. افزایش بینش سیاسی مردم

افزایش بینش سیاسی مردم در امور داخلی و بین‌المللی نیز عاملی است که هم از دستاوردهای انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید و هم عامل مناسبی برای توجه به آن در تحقق حکمرانی متعالی است (امام خامنه‌ای: ۶).

۶. سبک زندگی

سبک زندگی غربی سبب بسیاری از مشکلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که مشکلات بسیاری برای کشور ایجاد کرده است. درواقع اگر سبک زندگی، اسلامی - ایرانی باشد عامل پیشرفت و رشد کشور است و اگر غربی باشد عامل مشکلات جدی برای کشور خواهد شد، کما اینکه به فرموده ایشان تا کنون نیز چنین بوده است (امام خامنه‌ای: ۱۲).

۷. استقلال و آزادی

«استقلال» به‌معنی رهایی مردم و کشور از زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر و «آزادی» به‌معنای حق تصمیم‌گیری و اندیشیدن، از هدیه‌های الهی به بشر است که حکومت‌ها موظف به حفظ آن هستند و اسلام هم به حفظ این هدیه‌های الهی توصیه می‌کند تا حکمرانی متعالی اسلامی محقق شود (امام خامنه‌ای: ۱۲).

۸. عدالت و مبارزه با فساد

عدالت در صدر هدف‌های اولیه بعثت انبیا بوده، و در جمهوری اسلامی نیز از همان جایگاه برخوردار است. ایشان از تحقق عدالت آنچنان که باید راضی نیستند و معتقدند برای تحقق عدالت در حکمرانی باید دستگاهی تیزبین با نیروهای منبع‌الطبع و دارای دل‌های نورانی، پیوسته با فساد به‌ویژه در درون حکمرانی مبارزه کنند.

۹. اقتصاد مقاومتی

اقتصاد به عنوان نقطه کلیدی تعیین کننده، عامل استقلال و نفوذناپذیری کشور است. اقتصاد هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که با آن می‌توان به اهداف جامعه اسلامی رسید. ایشان مهم‌ترین مشکلات اقتصاد کشور را تکیه به درآمد نفت و دولتی بودن اقتصاد می‌دانند که اگر این مشکلات حل شود، اقتصاد مقاومتی می‌تواند همیشه حکمرانی اسلامی را در تحقق اهدافش کمک کند (امام خامنه‌ای: ۱۰).

۱۰. معنویت و اخلاق

معنویت و اخلاق جهت‌دهنده همه حرکت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است که با نبود این دو، جامعه با هر مقدار پیشرفت نیز برای مردم به جهنمی تبدیل می‌شود. به عقیده ایشان معنویت و اخلاق هر قدر در جامعه بیشتر شود، برکات بیشتری برای جامعه خواهد داشت (امام خامنه‌ای: ۱۰).

۱۱. علم و پژوهش

ایشان دانش را آشکارترین وسیله عزت و قدرت کشور می‌دانند. دانش عاملی است که غرب توانست با وجود ضعف در بنیان‌های اعتقادی و اخلاقی، سبک زندگی و سلطه خود را بر کشورهای دیگر تحمیل کند؛ البته در اسلام دانش برای استعمار دیگران نیست، اما این تجربه نشان از تأثیر زیاد دانش بر قدرت کشور دارد (امام خامنه‌ای: ۹).

شاخص‌های حکمرانی متعالی اسلامی در مذاکرات قانون اساسی

شاخص‌های حکمرانی متعالی که در مذاکرات تدوین قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است را می‌توان در شش محور اصلی خلاصه کرد: مردمی بودن حکمرانی، عدالت‌محوری، تأکید بر استقلال و آزادی، شفافیت، تأمین اجتماعی و توجه ویژه به اقشار محروم جامعه و در نهایت حفظ وحدت و انسجام ملی. هر چند تمام این شاخص‌ها به عنوان اصول بنیادین حکمرانی مطلوب مطرح شده است، اما از نظر اهمیت و تأکید نمایندگان قانون اساسی، میان آنها تفاوت‌هایی هست. برخی از این شاخص‌ها مانند مردمی بودن حکمرانی و عدالت‌محوری بیشتر مورد توجه قرار گرفته، و در جای جای قانون اساسی به آنها اشاره شده است. این در حالی است که برخی دیگر مانند شفافیت و تأمین اجتماعی، اگرچه از اهمیت زیادی برخوردار است، اما شاید به اندازه شاخص‌های نخستین مورد

تأکید قرار نگرفته باشد. در ادامه به بررسی هر یک از این شاخص‌ها و جایگاه آنها در قانون اساسی می‌پردازیم.

۱. مردمی‌بودن حکمرانی

یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم حکمرانی که در جریان تدوین قانون اساسی مورد بحث و بررسی قرار گرفت، اصل مردمی‌بودن حکومت است. این اصل در ابعاد مختلفی از نظام سیاسی نمود پیدا می‌کند، به‌طور مشخص، مشارکت مردم در انتخاب مسئولان، یکی از بارزترین جلوه‌های این اصل به‌شمار می‌رود.

علاوه بر مشارکت در انتخابات، مردمی‌بودن حکومت در دو جنبه دیگر نیز خود را نشان می‌دهد: اول، حق مردم در امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مسئولان که وظیفه دینی و اجتماعی تلقی می‌شود. دوم، لزوم مشورت حاکم با متخصصان و مردم در تصمیم‌گیری‌های مهم، که نشان‌دهنده اهمیت نظرخواهی از آحاد جامعه و بهره‌گیری از خرد جمعی است.

- نقش مردم در انتخاب مسئولان

اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر انتخاب مسئولان توسط مردم تأکید می‌کند. این اصل به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام جمهوری اسلامی، نشان‌دهنده حاکمیت اراده عمومی و مشارکت فعال مردم در تعیین سرنوشت خود است. بدین ترتیب، مردم به‌عنوان صاحبان اصلی قدرت، در انتخاب نمایندگان خود در مجلس شورای اسلامی، رئیس‌جمهور و دیگر مسئولان دخالت مستقیم دارند (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۰۵). در مذاکرات تصریح شد که براساس این اصل بالاترین مقام کشور یعنی ولی فقیه نیز باید پشتمانه اکثریت را داشته باشد (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۰۸) و این اصل را موجب تحکیم و استقلال نظام اسلامی دانستند (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۰۸).

اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اهمیت نقش مردم در اداره امور کشور تأکید می‌کند. بر اساس این اصل، مردم به‌صورت مستقیم نمایندگان خود را در مجلس شورای اسلامی و اعضای شوراهای محلی انتخاب می‌کنند. برخی نمایندگان در مباحثات قانون‌گذاری، مشارکت مستقیم مردم در انتخابات را تضمینی برای اجرای بهتر قوانین دانسته‌اند (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۱۲). در جریان مباحثات درباره اصل پنجاه و ششم قانون اساسی، برخی اعضای محترم مجلس تأکید ویژه‌ای بر حق مردم در تعیین سرنوشت خود داشتند. این نمایندگان بر این باور بودند که هرگونه تغییر و تحولی در مسیر جامعه باید با خواست مستقیم و آگاهانه مردم صورت پذیرد و مردم به‌عنوان صاحبان

اصلی قدرت، حق دارند در تمام تصمیم‌گیری‌های مهم کشور مشارکت فعال داشته باشند (ورعی، ۱۳۸۵: ۳۵۲).

– امر به معروف و نهی از منکر

یکی از ابعاد مهم مشارکت مردم در اداره امور کشور، فریضه واجب امر به معروف و نهی از منکر است. این فریضه دینی، نه تنها تکلیف فردی، بلکه مسئولیت اجتماعی است که به سبب آن، هر یک از شهروندان موظف هستند در برابر هرگونه انحراف از ارزش‌ها و قوانین اسلامی و اجتماعی، سکوت نکنند و با تذکر لسانی و ارشاد، دیگران را به سوی حق و حقیقت فرا خوانند. در نظام اسلامی، این فریضه ابزاری قدرتمند برای نظارت مردمی بر عملکرد مسئولان و تضمین سلامت جامعه به‌شمار می‌رود. به عبارت دیگر امر به معروف و نهی از منکر به مردم این امکان را می‌دهد تا در تمام شئون زندگی اجتماعی و سیاسی، حضوری فعال و پویا داشته باشند و در صورت مشاهده هرگونه تخلف یا ناهنجاری، با استفاده از این ابزار، به اصلاح امور بپردازند. این امر نه تنها به تقویت حس مسئولیت‌پذیری در میان مردم کمک می‌کند، بلکه به شفافیت و پاسخگویی بیشتر مسئولان نیز می‌انجامد. از این رو می‌توان گفت فریضه امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یکی از ارکان اصلی مردم‌سالاری دینی، نقش مهمی در تحقق عدالت اجتماعی و پیشرفت کشور ایفا می‌کند.

براساس اصل هشتم قانون اساسی امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به مردم (فتحی و کوهی، ۱۳۹۷: ۱۶). در جریان تدوین قانون اساسی، بر سر ضرورت گنجاندن اصل امر به معروف و نهی از منکر اتفاق نظر وجود داشت، اما اختلاف اصلی بر سر چگونگی اجرای این اصل متمرکز بود. برخی معتقد بودند که امر به معروف و نهی از منکر باید تحت نظارت یک سازمان یا وزارتخانه دولتی مشخص اجرا شود. در مقابل، گروه دیگری بر این باور بودند که این فریضه باید به صورت خودجوش و مردمی اجرا شود و دخالت مستقیم دولت در آن محدود شود (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۱۵)، که در نهایت نمایندگان حدود و جزئیات آن را به قوانین دیگر موکول کردند.

– مشورت حاکم با مردم و متخصصان

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های حضور فعال مردم در اداره امور کشور، مشارکت آنان در مشورت‌دهی به حاکمان است. بر اساس اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی و شوراهای مختلف به‌عنوان ارکان تصمیم‌گیری در کشور شناخته شده است. تشکیل این نهادها و

انتخاب نمایندگان آنها از سوی مردم، نشانگر آن است که مردم نه تنها حق دارند بر سرنوشت خود تأثیرگذار باشند، بلکه وظیفه دارند در اداره امور کشور مشارکت فعال داشته باشند. بدین ترتیب، مردم از طریق نمایندگان خود در مجلس و شوراهای می‌توانند نظرات، خواسته‌ها و مطالبات خود را به گوش مسئولان برسانند و در شکل‌گیری سیاست‌ها و قوانین کشور نقش ایفا کنند (فتحی و کوهی، ۱۳۹۷: ۱۶). در جریان تدوین قانون اساسی، بر این نکته تأکید شد که علاوه بر انتخاب مسئولان از طریق رأی مردم، مشورت‌جویی با مردم نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از سازوکارهای تحقق این امر، ایجاد شوراهای اسلامی در سطوح گوناگون از جمله شهری، روستایی و استانی است. این شوراهای به عنوان نمایندگان مستقیم مردم در مناطق خود، فرصتی را فراهم می‌آورند تا نظرات، خواسته‌ها و مطالبات شهروندان در تصمیم‌گیری‌های محلی و حتی ملی لحاظ شود. به عبارت دیگر، شوراهای پل ارتباطی بین مردم و مسئولان هستند و به این ترتیب، مشارکت مردم در اداره امور کشور به صورت مؤثرتر محقق می‌شود (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۱۱).

۲. عدالت‌محوری

یکی دیگر از شاخص‌های مهمی که در تدوین قانون اساسی مورد توجه قرار گرفت، تحقق عدالت در ابعاد گوناگون جامعه بود. از جمله این ابعاد می‌توان به وجود ملکه عدالت در مسئولان، رفع تبعیض، ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد و همچنین تضمین برابری همه در برابر قانون اشاره کرد. در ادامه به بررسی این موارد پرداخته خواهد شد.

- رفع تبعیض و ایجاد امکانات مساوی

براساس اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی است (فتحی و کوهی، ۱۳۹۷: ۱۴). این اصل پس از قرائت توسط نایب رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی، از حیث محتوا با هیچ اشکالی روبه‌رو نشد، جز اینکه متن پیشنهادی توسط نایب‌رئیس مقید به مساوی و عادلانه شده بود که با رأی نمایندگان قید مساوی حذف شد و به‌عنوان یک اصل کلی پذیرفته شد که پایه اصول دیگر قانون اساسی است (ورعی، ۱۳۸۵: ۱۸۱)؛ هم‌چنین نایب‌رئیس مجلس در توضیح اصل نوزدهم قانون اساسی تصریح کرد که این اصل برای نفی نقش نژاد، قومیت و رنگ در حقوق افراد است (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۵۷).

– عدالت مسئولان

به نظر خبرگان قانون اساسی، غیر از اینکه در تقسیم امکانات کشور باید عدالت وجود داشته باشد، در مسئولان نیز باید وجود داشته باشد.

براساس اصل یکصد و نهم یکی از شرایط بالاترین مقام کشور یعنی ولایت فقیه، عدالت است (فتحی و کوهی، ۱۳۹۷: ۴۱). برخی نمایندگان اصرار داشتند که عدالت در ولی فقیه باید در بالاترین درجه و تالی تلو معصوم باشد (ورعی، ۱۳۸۵: ۶۰۱). این شرط به نظر نمایندگان هم مانع استبداد و دیکتاتوری است (فتحی و کوهی: ۷۱۰) و هم اگر فقیه طبق هوای نفس رفتار کند و عدالت نداشته باشد، خودبخود از منصب ولایت فقیه معزول است (فتحی و کوهی: ۳۶۵). به سبب جلوگیری از تحقق دیکتاتوری، به نظر برخی اعضا باید این شرط در نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور نیز شرط می‌شد (فتحی و کوهی: ۷۱۶). در مذاکرات برای اعضای مجلس خبرگان نیز قید عدالت را شرط لازم دانستند (فتحی و کوهی: ۵۹۱). براساس متن مذاکرات، دادگستری باید قضات عادل استخدام کند که لازمه آن عادل‌بودن قضات کشور است.

– برابری در برابر قانون

از دیگر اموری که در مجلس خبرگان قانون اساسی به آن پرداخته شد، برابری همه اقشار جامعه در برابر قانون است؛ البته برابری در برابر قانون غیر از حقوق برابر است؛ مراد از برابری در برابر قانون این نیست که افراد جامعه فارغ از استعداد و دیگر ویژگی‌هایی که دارند از حقوق یکسان برخوردار باشند، بلکه مراد این است که همه افراد در برابر قانون خاضع باشند و هرکس به هر حقی برسد که طبق قانون دارد.

طبق اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه افراد ملت از هر رنگ و نژاد و دین به‌طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند. به گفته نایب رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی، منظور از این اصل آن است که همه افراد جامعه، صرف‌نظر از موقعیت قومی، دینی یا سیاسی خود، در برابر قانون برابر هستند. به عبارت دیگر، قانون برای همه شهروندان یکسان اجرا می‌شود و هیچ فرد یا گروهی از امتیاز خاصی برخوردار نیست (فتحی و کوهی: ۲۶۰).

۳. استقلال و آزادی

براساس اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را تأمین می‌کند (فتحی و کوهی، ۱۳۹۷: ۱۴) و طبق اصل نهم قانون اساسی استقلال و آزادی

ملازم یکدیگر است و هیچ فرد، گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال کشور لطمه بزند (فتحی و کوهی، ۱۳۹۷: ۱۶). به نظر اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی استقلال واقعی کشور در صورتی به دست می‌آید که آزادی و عدالت در جامعه وجود داشته باشد و بالعکس اگر جامعه‌ای استقلال نداشته باشد، چنین جامعه‌ای نمی‌تواند انتظار آزادی داشته باشد (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۱۷).

همان‌طور که قانون اساسی بر اصل استقلال کشور تأکید فراوان دارد، به آزادی‌های فردی و اجتماعی نیز به عنوان حقوق اساسی شهروندان اشاره کرده است. با این حال، این آزادی‌ها به مواردی محدود است که با مبانی اسلام و حقوق عمومی جامعه مغایرت نداشته باشد. به عبارت دیگر، آزادی‌های فردی باید در چارچوب قوانین و مقررات اسلامی و به گونه‌ای اعمال شود که به حقوق دیگران و منافع عمومی آسیب نرساند (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۶۹). نظر برخی نمایندگان این بود که بعضی قیود دیگر نیز برای آزادی در نظر گرفته شود که مورد پذیرش مجلس قرار نگیرد (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۷۱). در مذاکرات تصریح شد که آزادی برای قشر خاصی نیست، بلکه جمهوری اسلامی آزادی افراد گوناگون، مطبوعات، انجمن‌ها، احزاب و اقلیت‌های دینی را تأمین می‌کند (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۷۶).

۴. شفافیت

در فرایند قانون‌گذاری و اداره امور کشور «شفافیت» از جمله شاخص‌های مهم حکمرانی خوب به شمار می‌رود که در اندیشه سیاسی غرب نیز به عنوان اصل بنیادین مورد تأکید قرار گرفته است. در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ضرورت شفافیت در اداره امور کشور، به ویژه درباره مجلس شورای اسلامی، مورد توجه قرار گرفته است. به نظر خبرگان قانون اساسی، برگزاری جلسات علنی مجلس و امکان دسترسی عموم مردم به این جلسات از طریق رسانه‌هایی مانند رادیو، از جمله راهکارهای تضمین شفافیت در عملکرد مجلس است. البته این اصل کلی با توجه به شرایط خاص کشور و ضرورت حفظ امنیت ملی، مشروط به وجود شرایط اضطراری است، بدین معنی که در شرایطی که امنیت کشور به خطر افتد، امکان برگزاری جلسات غیر علنی با رعایت شرایط خاص پیش‌بینی شده است (ورعی، ۱۳۸۵: ۴۰۷).

با وجود پیش‌بینی شرایط خاص برای برگزاری جلسات غیر علنی مجلس، برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، حتی همین میزان از نبود شفافیت را به زیان کشور دانسته‌اند. این گروه از نمایندگان بر این باورند که آثار منفی همین میزان محدودیت نیز از آثار مثبت آن کمتر است. آنها معتقدند

شفافیت کامل در عملکرد مجلس، علاوه بر افزایش اعتماد عمومی به نمایندگان و نظام سیاسی، به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌ها و پاسخگویی بیشتر نمایندگان در برابر مردم کمک خواهد کرد (ورعی، ۱۳۸۵: ۴۰۹).

۵. تأمین اجتماعی و توجه ویژه به طبقات نیازمند

اصل بیستم و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را مکلف کرده است تا از محل درآمدهای عمومی و مشارکت‌های مردمی، خدمات و حمایت‌های اجتماعی لازم را برای تمام شهروندان تأمین کند. این حمایت‌ها شامل حوزه‌های گوناگونی همچون بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی و دیگر نیازهای اساسی زندگی است. تصویب این اصل نشان از توجه ویژه قانون اساسی به رفع نیازهای مستضعفان و تأمین عدالت اجتماعی دارد. به عبارت دیگر، این اصل نه تنها حق شهروندان را برای برخورداری از تأمین اجتماعی به رسمیت می‌شناسد، بلکه دولت را نیز ملزم می‌کند تا با تدابیر لازم، این حق را برای همه افراد جامعه محقق سازد.

خبرگان قانون اساسی در تدوین اصل بیستم و نهم، بر لزوم تأمین نیازهای اساسی همه افراد جامعه، به ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر، تأکید فراوانی کرده‌اند. به باور آنها، دولت موظف است با استفاده از منابع مالی عمومی و مشارکت‌های مردمی، شبکه‌ای حمایتی را ایجاد کند که بتواند نیازهای اساسی همه افراد جامعه را برطرف سازد (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۸۴).

۶. حفظ وحدت اجتماعی

حفظ وحدت اسلامی میان مردم ایران از جمله مسائل کلیدی و مورد تأکید خبرگان قانون اساسی است. این موضوع به حدی اهمیت دارد که برخی نمایندگان مجلس خبرگان پیشنهاد کرده‌اند تا عبارت «وحدت و حفظ تمامیت ارضی» به همراه آزادی و استقلال در قانون اساسی ذکر شود. هدف از این پیشنهاد جلوگیری از سوء استفاده عده‌ای است که ممکن است به نام آزادی و با تحریک کشورهای خارجی، وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور را به خطر اندازند (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۱۹).

وظیفه دولت در حفظ وحدت ملی امری بدیهی و مورد توافق همه خبرگان است تا آنجا که حفظ وحدت به عنوان دلیل برای بعضی اصول دیگر بیان شده است. به عنوان مثال، عدم تمرکز فعالیت‌های دولت در پایتخت به عنوان عاملی برای تقویت وحدت ملی در نظر گرفته شده است (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۴۸).

وظیفه دولت اسلامی تنها محدود به حفظ وحدت داخلی نیست، بلکه دولت اسلامی موظف است تا برای تحقق وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سطح جهان اسلام نیز تلاش کند. این امر نشان می‌دهد که وحدت اسلامی از دیدگاه قانون اساسی، مسئله‌ای فراتر از مرزهای ایران و شامل تمام کشورهای اسلامی است (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۴۸).

مقایسه و نتیجه‌گیری شاخص‌های حکمرانی متعالی در مذاکرات قانون اساسی ایران و سازمان‌های بین‌المللی

با بررسی دقیق‌تر شاخص‌های حکمرانی مطلوب در مذاکرات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و شاخص‌های ارائه‌شده توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی و برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)، می‌توان به درک عمیق‌تری از شباهت‌ها، تفاوت‌ها و دلایل این تفاوت‌ها دست یافت.

شباهت‌های بنیادین

- عدالت‌محوری: هر دو نظام بر اهمیت عدالت در توزیع منابع، فرصت‌ها و حقوق تأکید می‌کنند؛ اگرچه ممکن است مفهوم عدالت در هر دو نظام، تعاریف و ابعاد گوناگونی داشته باشد، اما اصل عدالت، هرچند به معنای قانونمداری همگانی، نقطه مشترک به‌شمار می‌رود.

- مشارکت مردمی: هر دو نظام بر اهمیت مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و امور عمومی تأکید می‌کنند. این مشارکت می‌تواند به صورت مستقیم از طریق انتخابات یا غیرمستقیم از طریق نهادهای مدنی و اجتماعی صورت گیرد.

- شفافیت و پاسخگویی: هر دو نظام بر اهمیت شفافیت در امور حکومتی و پاسخگویی دولت در برابر مردم تأکید می‌کنند. شفافیت به معنای دسترسی آزاد به اطلاعات و پاسخگویی به معنای مسئولیت‌پذیری دولت در برابر عملکرد خود است.

تفاوت‌های کلیدی

- ابعاد دینی و فرهنگی: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام مبتنی بر اسلام، شاخص‌هایی مانند عدالت اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر را نیز مد نظر قرار می‌دهد. این در حالی است که شاخص‌های سازمان‌های بین‌المللی معمولاً بر اصول جهانی و سکولار تأکید می‌کنند.

- وحدت ملی و اسلامی: قانون اساسی ایران بر حفظ وحدت ملی و اسلامی تأکید ویژه‌ای دارد و این موضوع به‌عنوان یکی از اصول بنیادین نظام سیاسی ایران مطرح شده است. علاوه بر وحدت ملی و اسلامی در کشور، یکی از وظایف حکومت اسلامی تلاش برای ایجاد وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین جهان اسلام است. در حالی که در ادبیات غربی حکمرانی مطلوب چنین شاخصی بیان نشده است.

- توجه به طبقات محروم: قانون اساسی ایران در نتیجه مذاکرات قانون اساسی به‌طور ویژه بر نقش دولت در رفع محرومیت و ایجاد عدالت اجتماعی تأکید می‌کند. در حالی که آنچه که در برخی شاخص‌های حکمرانی مطلوب غربی ذکر شده است، تنها مشارکت اقشار آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری است.

- تفاوت در گستره عدالت: عدالت در حکمرانی متعالی اسلامی دامنه بیشتری دارد، به‌عبارتی هم بسیاری از مسئولان باید دارای ملکه عدالت باشند که نوعی مانع دورنی برای جلوگیری از انحراف فرد است، هم اینکه به رفع تبعیض و ایجاد امکانات عادلانه بین مردم توجه دارد و هم به برابری در برابر قانون؛ اما آنچه در حکمرانی مطلوب در جوامع غربی مطرح شده است، بیشتر بحث قانون‌مداری است که طبیعتاً با وجود حسنی که دارد، بسیار محدودتر از عدالت در حکمرانی متعالی اسلامی است.

دلایل تفاوت‌ها

- زمینه‌های فرهنگی و تاریخی: یکی از علل تفاوت‌های موجود در شاخص‌های دو نظام، تفاوت ریشه‌ای دینی، فرهنگی تاریخی و اجتماعی ایران با دیگر کشورها است.

- نظام سیاسی: نوع نظام سیاسی (اسلامی یا سکولار) و ساختار حکومتی هر کشور بر اولویت‌ها و شاخص‌های حکمرانی تأثیرگذار است.

- اهداف توسعه: اهداف توسعه هر کشور و اولویت‌های دولت بر انتخاب شاخص‌های حکمرانی مؤثر است.

با در نظر گرفتن مباحث مطرح‌شده، می‌توان مشاهده کرد که شاخص‌های حکمرانی مطلوب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و استانداردهای تعیین‌شده توسط سازمان‌های بین‌المللی، نقاط مشترک فراوانی دارند. تأکید بر مفاهیمی مانند عدالت، مشارکت مردمی، حاکمیت قانون و پاسخگویی، از جمله این اشتراکات به‌شمار می‌رود. با این حال، تفاوت‌های چشمگیری نیز میان این

دو رویکرد وجود دارد که ریشه در تفاوت‌های بنیادین فرهنگی، تاریخی، دینی و سیاسی دو نظام حاکم دارد. در حالی که سازمان‌های بین‌المللی به دنبال ایجاد یک الگوی جهانی برای حکمرانی خوب هستند، ایران با توجه به ویژگی‌های خاص خود و تأکید بر ارزش‌های اسلامی، رویکردی متفاوت را در پیش گرفته است. این تفاوت‌ها در زمینه‌هایی مانند نقش دین در حکومت، گستره عدالت، توجه به مستضعفان و وحدت ملی نمود پیدا می‌کند. به‌طور خلاصه، اگرچه هر دو نظام به دنبال ایجاد یک جامعه بهتر و عادلانه‌تر هستند، اما مسیر رسیدن به این هدف و ابزارهای مورد استفاده در این مسیر، متفاوت است.



فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۳)، چاپ دوم، قم: انتشارات خوشرو.
- امام خمینی (ره)، روح‌الله، وصیت‌نامه.
- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سید علی، بیانیه گام دوم.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق هارون عبدالسلام محمد، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ اول، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۷)، مبانی دانش اداره دولت و حکومت، تهران: سمت.
- حق شناس، علی محمد و همکاران (۱۳۷۹)، فرهنگ معاصر هزاره، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰)، فرهنگ متوسط دهخدا، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- زارعی، بهادر (۱۳۹۹)، حکومت محلی و توسعه ایران، تهران: ستوس.
- فتحی، محمد و کوهی، کاظم (۱۳۹۷)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان.
- معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین (یک جلدی)، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ‌نما.
- نقیبی منفرد، حسام (۱۳۸۹)، حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، تهران: شهر دانش.
- ورعی، سید جواد (۱۳۸۵)، مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی به روایت قانونگذار، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.

References

- Kaufmann, D. et al, (2006). Governance Matters V: Aggregate and Individual Governance Indicators for 1996- 2005, Washington: The World Bank.
- Raco, M. (2009). "Urban Governance", In International Encyclopedia OF Human Geography, Ed. Chief: Rob Kitchin and Nigel Therift, Amsterdam: Elsevier, pp. 622-626.
- UNESCAP United Nation Development Program (UNDP). (2004). Decentralised Johnson, I. (1997). Redefining the Concept of Governance.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

